

که به یروز واکنش های متفاوتی منجر می شود؛ آن ها حتی از این هم فراتر می روند و می گویند با طراحی اصولی فضاهای شهری می شود زمینه بروز الگوهای رفتاری مناسب و جلوگیری از رفتارهای نامطلوب را فراهم کرد. اما این اتفاق چطور رخ می دهد؟ محیط، رفتارها و احساسات ما را چطور تحت تأثیر قرار می دهد؟ ارتباط بین جامعه شناسی و معماری را چگونه می شود توضیح داد؟ یک جامعه شناس و یک معمار، به این سوالات پاسخ داده اند.

در دو گانه «ورانت یا محیط»، طرقدار سرسخت محیط و منکر صدرصد وراثت باشیید تا اهمیت و قدرت تأثیر گذاری معماری را درک کنید. حتما برایتان پیش آمده ساختمان های کوتاه و بلند و بی ربط به هم، چشم تان را آزار داده باشد؛ نور زیاد خیابان ها و پیاده روها کلافه تان کرده باشد؛ در کوچه ای احساس ناامنی کرده باشید و شلختگی و بی قوازی مغازه ها و فروشگاه ها خلقتان را تنگ کرده باشد. جامعه شناس ها و معمارها متفق القول معتقدند محیط، نشانه ها و پیام هایی به ما مخابره می کند

الیه توانا - | روزنامه نگار

پرونده

چشم های ما هر روز پر می شود از نمای سنگی و آجری ساختمان ها، تابلوهای جورواجور سر در مغازه ها، طرح و نقش دیوارها، پارک ها، چراغ ها، رنگ ها؛ همه این ها و همه آن چه در طول روز از زشتی و زیبایی و هماهنگی و ناموزونی و به طور کلی از معماری شهری می بینیم، خلقیات و احساسات و رفتارهای ما را تحت تأثیر قرار می دهد. لازم نیست

منفعت می برند. شهر، سال ها دست مردان بوده و حالا و قتش رسیده با زنانه کردن شهرها امکان تجربه طرافت، زیبایی، اعتماد و اطمینان را فراهم کنیم.

استانداردهای معماری در دنیا چطور رعایت می شود؟

کیفیت محیط شهری شاخص هایی دارد که در سطوح بین المللی سنجیده و شهرها براساس آن رتبه بندی می شوند. الان سال هاست که شهر ملبورن در این زمینه رتبه ۱ و ۲ را کسب می کند. در این شاخص ها، غیر از کیفیت محیط و آلودگی هوا و معماری، حتی جمعیت متناسب برای شهرها هم تعیین می شود؛ شهرهای با جمعیت بین ۶۰۰-۲۰۰ هزار نفر، بهترین شهرها برای زندگی هستند. شهرهای ما اما مداوم و به صورت افسار گسیخته در حال بزرگ شدن هستند؛ این گسترده گی غیرمعتدل، اشتغکی معماری و اختلاف طبقاتی و حاشیه نشینی را به دنبال دارد.

در کشورهای پیشرفته غربی مثل فرانسه و ایتالیا، معماری حافظ بافت سنتی شهر و در نتیجه حافظ هویت و حافظه جمعی ساکنان شهر است. این کشورها به مدل توسعه ای که برای مثال دبی به آن عمل می کند و هدفش صرفا جذب گردشگر است، اعتقادی ندارند. متأسفانه در گفتمان کارشناسان مسئول و تصمیم گیران شهری ما هم امروز، کاربری تجاری حرف اول را می زند؛ حتی به قیمت از بین بردن سنت و تخریب محیط زیست.

معماری امروز ما در حال کشتن محله هاست. در حالی که بعضی کشورهای توسعه یافته مطالعات اسباب کشی دارند یعنی اسباب کشی مردم از محلات را رصد می کنند؛ چرا مردم در فلان محله نمی مانند و چرا میزبان ماندگاری مردم در فلان محله یاداست. ظاهرا، ملاحظات و بررسی های معماری است اما پلنش جامعه شناسی است. همین روند نابودی محلات در کشور ما، باعث شده که دیگر در شهر دوچرخه نینیم و برای خرید سبزی هم مجبور به بیرون آوردن ماشین باشیم. بعضی شهرهای مهم دنیا از این هم فراتر رفته اند و از معماری شان در جهت جذب نیروی انسانی نخبه استفاده می کنند؛ آن ها می دانند فلان دانشمندی که برای همایشی به کشورشان آمده، سبک زندگی اش این است که هر روز پیاده روی کند و طبق آن در شهر، مسیر پیاده روی طراحی می کنند. نخبه ها الان به راحتی شهر محل زندگی شان را انتخاب می کنند و مدیران شهری می دانند لحاظ کردن ترجیحات این قشر، یعنی جذب شغل و ثروت به کشور.

تفریح کنند. امروز مفهوم خانواده در فضای شهری دارد له می شود. شهرها حضور افراد را تنها در حالتی به رسمیت می شناسند که آن ها فقط با گروه های هم سن و سالشان وقت بگذرانند. حضور همه اعضای خانواده در فضاهای شهری، علاوه بر بر کاتش در حوزه خانواده، فایده های شهری هم دارد؛ برای مثال، در پارکی که برای حضور خانواده ها طراحی شده، بزه اتفاق نمی افتد. معاشرت پذیری، بین آدم های شهر در حال نابودی است. ساخت تفکر ما با ساختار تفکرمان تطابق ندارد. یعنی باورها و ارزش ها و ذهنیت های ما می گوید معاشرت خوب است، آن چه در فضا و معماری شهری طراحی می شود، نظری خلاف این امر دارد. ما الان، انسان شهر محور داریم نه شهر انسان محور؛ نیازهای انسانی و آن چه درباره معاشرت و همبستگی و اعتماد متقابل می گویم در شهر جای ندارد.

در پاسخ به سوال قبلی، اشاره ای به ارتباط بزه و معماری داشتید. در این باره و درباره نقش معماری در احساس امنیت هم کمی صحبت کنیم.

بخشی از ایجاد امنیت از طریق تناسبات فضایی ممکن می شود؛ مادر معماری می توانیم کاری کنیم که به فرد احساس فضای بسته یا باز دست بدهد. اما مکمل این قضیه، رفتارهای اجتماعی است. شما اگر با گروهی از افراد وارد استادیوم شوید، احساس راحتی می کنید و اگر تنها بروید، همان محیط برایتان ترسناک خواهد بود. آدم ها محیط را مقیاس پذیر می کنند. در کلان شهرها متأسفانه بزه کار احساس می کند می تواند گم شود یا ناشناس بماند. برای مقابله با این ناشناس ماندن، یکی از کارهایی که معماری می تواند انجام دهد، مدیریت چیدمان نوری شهر است. دقت کنید از حیث مهندسی برق نمی گویم، منظورم دقیقا مهندسی معماری است؛ همان طور که می دانید نور کم، فضا را برای انجام جرم فراهم می کند؛ از طرف دیگر اگر همه شهر را هم پر نور کنیم، محنتی برمی گردد و باز امکان بزه مهیا می شود؛ چون بزه کار در محیط زیادی پر نور، ترسش می ریزد.

از دیدگاه اجتماعی، فضا باید طوری طراحی شود تا برای کسانی که ممکن است به طور بالقوه جزو قربانیان باشند، حس امنیت فراهم و برای کسانی که بالقوه ممکن است مجرم باشند، کار سخت شود. با توجه به گفتمان غالب مردانه که در جامعه مسلط است، من فکر می کنم اگر فضای شهر را زنانه کنیم، هر دو جنس از آن

تشکیل می دهد. من فکر می کنم، نیازی را هم که چنین ناهمگنی و آشفتگی در معماری را تشدید می کند، نباید نادیده بگیریم. احساس تمایز از طریق مصرف نمایشی، می تواند معماری شهر و به تبع آن، دریافت و احساسات مردم شهر را تحت تأثیر قرار بدهد؛ من با نمای بسیار گران و متفاوت خانم، تعلقم به طبقه ای خاص و تمایز م از دیگران را به نمایش می گذارم؛ یا مثلاً با تبلیغات گل درشت مثل «ولین» و «بزرگ ترین» و «مدرن ترین» کسبو کارم را متمایز می کنم، بی آن که جلوه شهری اش برایم مهم باشد.

زندگی سلام : درباره سهم خود مردم در معماری صحبت کردید. یاد این نکته افتادم که خودخواهی و دور زن قانون از سمت ما، چقدر در زشت کردن شهرها تأثیر گذار بوده است؛ مثالش ساختمان های مرتفع در کوچه های پارک که غیر از نازیبایی، حق دیگران از آسمان را هم سلب و تردد را سخت می کنند.

ما وقتی در مطالعات شهری به طرح جامع تفصیلی می رسیم و می گویم در فلان منطقه، نباید بیشتر از سه طبقه روی پیلوت ساخته شود، برایش دلیل داریم؛ مثلا دسترسی به خدمات پیرامون محل زندگی، از قبیل پارک و نانوایی و سوپرمارکت را طبق استاندارد و سرانه، سنجیده ایم. خب این تخلف، ظاهرا منفعت شخصی دارد اما به همان میزان هزینه دارد. مثلاً ساکنان محله مجبور می شوند فرزندان را به مدرسه ای دورتر از محل زندگی شان بفرستند، برای سرویسش هزینه کنند و برای رفت و آمدش استرس داشته باشند. اگر مردم از فرایند توسعه محله شان باخبر باشند، خودشان یکدیگر را مدیریت خواهند کرد. خودشان اجازه نخواهند داد کسی با تخلفات ساختمانی در محله شان، سایه ایجاد و جای پارک اضافه به آن تحمیل کند.

نکته مهم دیگر، میزان راحتی مردم با شهر است؛ معماری باید بتواند نیازهای سسین مختلف را برآورده کند. مثلاً سالمندان نیاز دارند فضایی برای پیاده روی و تعامل با دیگران داشته باشند.

معماری فضاهای عمومی در شهرهای ما، مروج فردگرایی است. فرصتی که فضاهای شهری باید امکان خاطر سازی خانوادگی فراهم کنند. یعنی مثلاً پارک فقط مختص نوجوان ها نباشد بلکه آن را طوری بسازیم که پدر بزرگ و نوه با هم

شهرداری، میزان انرژی پنهان مصرفی به ازای هر متر مربع ساختمان تان را اعلام کنید؛ اعم از سوخت کامیونی که آجر می آورد تا دستگاهی که بتن حمل می کند و الی چهارراه، رانندگی متفاوتی دارند؛ سمتی که ظاهر ساختمان ها متناسب تر و درخت ها آراسته تر است، راننده ها قانون مدارتر هستند؛ همین راننده ها در سمت نایه سامان تر چهارراه به خودشان اجازه می دهند لای بی بکشند و بوق کشدار بزنند. نبود تناسب در فضاهای شهری، مثل سوهان روح مردم را آزار و آن ها را قلقلک می دهد که طور خاصی رفتار کنند. فضا با ما گفت و گو می کند و به ما یاد می دهد چطور رفتار کنیم. به همین دلایل است که باید معماری را یکی از عوامل تأثیر گذار بر رفتار شهروندان بدانیم.

زندگی سلام : معماری، غیر از تأثیرات آشکار بر رفتارهای شهروندی، از طریق جنبه های استعاری هم می تواند آثار ناخود آگاه بر ما داشته باشد. مثلاً جایی خواندم، زوایای تیز در معماری، مراکز ترس را در مغز فعال می کنند و در نتیجه هورمون استرس آزاد می شود. کمی در این باره حرف بزنیم.

همین طور است. یک نمونه اش جمع شدن آجر از شهر و جایگزینی سنگ است؛ سنگ، حس خشونت را القا و دشمنی را تشدید می کند. این معماری سنگی پر تکبر، کاملاً خلاف

معماری مردم وار آرام آجری است که قبلاً داشتیم. شهرهای ما الان شهر ماشین ها هستند و نه آدم ها. مثلاً فراوانی پل های عابر پیاده در سطحش شهر، پیامش این است: «های عابر پیاده مشکل خودت است که ماشین نداری! از پله برو بالا». ماشین ها حق دارند تا دم در خانه ها برسند. در این نوع شهر سازی، انسان اصالت ندارد. از طرف دیگر، مشکل معماری ما این است که هویت را از شهر گرفته؛ هر کدام از مواد و مصالح و انواع معماری ممکن است به خودی خود خوب باشند اما ترکیب نامقولشان، را کستر نا هماهنگی شهرهای آمریکایی از ساخت و ساز باید به

بررسی تأثیر معماری بر خلقیات و رفتارهای شهروندی در گفت و گو با یک مهندس معمار و یک جامعه شناس

انعکاس شهرها در ذهن آدم ها

عجایب باز تاب محل زندگی بر رفتار شخصی

سایت «ترجمان» چند وقت پیش مقاله ای منتشر کرد با عنوان «میزان سخاوت شما ربط دارد به خیابانی که در آن قدم می زنید». در بخشی از این مقاله نوشته شد: میوه دو زیست شناس تکاملی، تصاویری از خیابان های نیویورک را به افرادی نشان دادند که آن جا زندگی نمی کردند. در بعضی از این خیابان ها، سنگ فرش ها شکسته، چمن ها نامرتب و خانه ها مخروبه بودند و در بعضی دیگر، پیاده روها تمیز و خانه ها آراسته. پس از مشاهده این تصاویر به داوطلبان گفته شد قرار است با فردی از ساکنین محله ای

امیر محمدیان
جامعه شناس

و جوه ارتباط زیادی بین رفتارهای شهروندی و فضاهای شهری وجود دارد؛ مثلاً «بیش تحریکی عصبی» یکی از نتایج اشتغکی فضاهای شهری و معماری است؛ خیابان های تنگ و ترافیک و آلودگی هوا، اعصاب شهروندان را تحریک می کند؛ حتی ممکن است خودشان از دلیل این اتفاق آگاه نباشند. مسئله دیگر، تجلی بسیار متفاوت معماری در نقاط مختلف شهر است؛ جلوه های لوکس و پر زرق و برق معماری در فلان منطقه شهر، می تواند باعث شود ساکنان آن منطقه خودشان را به طبقه ای برتر متعلق بدانند و ساکنان منطقه کم بر خود را تر با احساس محرومیت اجتماعی دست و پنجه نرم کنند. نکته مهم دیگری که در توسعه شهری اغلب مغفول می ماند، از بین بردن بافت سنتی شهر به نفع شکل مدرن معماری است. این نابودی بافت سنتی، فاصله بین نسل ها را بیشتر می کند؛ نسل قدیم شاهد این است که میراثش را جلوی چشمش از بین می برند و هیچ احترامی به حس تعلق او و حافظه جمعی گذاشته نمی شود؛ نسل جدید هم می بیند که به راحتی می شود داشته های نسل قدیم را از بین برد و چیزی را جایگزین کرد که خودمان فکر می کنیم در دست است.

زندگی سلام : یکی از مواردی که در جامعه شناسی و معماری باید مورد توجه قرار بگیرد، اقلیم هر منطقه، تأثیرات و مقتضیات آن است. معماری امروز ما چقدر با اقلیم شهرها متناسب و نمودش در سبک زندگی مردم به چه صورت است؟

سال ۲۰۱۳ «اقلیم»، به دلیل اهمیت بسیارش شعار جهانی معماری شد. الان دیگر هیچ جای دنیا، مثل ما ساختمان نمی سازند. در یکی از شهرهای آمریکایی از ساخت و ساز باید به

ارتباط بین شهر و آدم ها، ارتباطی دوطرفه است؛ از طرفی عده ای، شهر را می سازند؛ و از طرف دیگر فضا با طبق اصطلاح تخصصی اش، کالبد معماری، باعث تأثیری در رفتارها و کنش های مردم می شود. رفتار آدم ها در فضاهای مختلف شهری، متفاوت است. طبق تجربه شخصی من، در خیابان زشتی که خانه ها نامنظم اند، مردم اخمو هستند و در خیابان های اصلاً حاکا کلاس، مردم خیلی عصاب قورت داده راه می روند و سعی می کنند شیک به نظر برسند. خیابان ها هویت مشخصی دارند و شهروندان سعی می کنند خودشان

برنامه ماه
مبارک رمضان

بانوان روزهای زوج از ساعت ۲۰ الی ۲۱،۳۰
(همراه با پذیرایی افطار)
آقایان روزهای فرد و جمعه ها از ساعت ۲۰ الی ۱ بامداد

دوره های آموزش شنا ویژه پسران و دختران از اسال به بالا
آموزش شنای موزون ویژه دختران - آموزش واترپولو

مجموعه آبی سجاده

مجهز به سونای خشک و بخار، جکوزی، سالن ماساژ و حمام ترکی، سالن ورزش، فیش اسپا، کافه شاپ
آموزش شنا و واترپولو برای خردسالان و بزرگسالان (مدارس شنا و شنای هنری طبق روال قبل برگزار می گردد)